

بررسی حقوق مالکیت فکری بر عملکرد رفتاری سازمان (مطالعه موردی: اداره ثبت اسناد)

سید مجتبی حسینی

کارشناس ارشد ثبت اسناد و املاک

نام نویسنده مسئول:

سید مجتبی حسینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۶

چکیده

موضوع مالکیت فکری میحث جدیدی نیست. بلکه با پیدایش انسان، مالکیت فکری نیز بوجود آمده است. چرا که فکر، قدرت لاینفکی بوده که انسان هیچ وقت از آن خالی نبوده و همیشه به منظور رفع نیازهای خود از آن بهره می گرفته است. در بخش ارائه خدمات به مراجعین ثبت اختراع و علامت تجاری اقدامات بسیاری در سازمان ثبت اسناد و املاک در این چند سال انجام شده است و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تلاش کرده است جهت ارتقاء وضع موجود از تجارب سایر کشورها و همچنین سازمان جهانی مالکیت فکری استفاده کند. عملکرد اداره ثبت اسناد در چند سال اخیر چشمگیر بوده است. در این مقاله سعی به تشریح حقوق مالکیت فکری بر عملکرد رفتاری و نقش اداره ثبت اسناد در این زمینه بررسی و به نتایج در خور توجه دست یافته ایم.

واژگان کلیدی: مالکیت فکری، سازمان، عملکرد.

مقدمه

در اسناد بین المللی، تنها تعریفی که از حقوق مالکیت فکری در دست می‌باشد، در ماده‌ی دوم کنوانسیون تاسیس سازمان جهانی مالکیت فکری است که این حقوق را صرفاً این چنین نام می‌برد. فعالیت‌های ادبی، هنری و علمی، اجرای برنامه‌های هنری هنرمندان، اختراعات در تمام زمینه‌های ناشی از تلاش انسانی، اکتشافات علمی، طرح‌های صنعتی، علایم تجاری و حمایت در برابر رقابت غیرمنصفانه. حقوق مالکیت فکری اساساً یک حق سرزمینی است. چرا که در سرزمینها و قلمرو جغرافیایی خاصی قابل اعمال و اجرا می‌باشند (مهدی زاده، ۱۳۸۹) مطالعه اجمالی مفهوم حقوق مالکیت فکری نشان می‌دهد حمایت از اموال فکری چه در حوزه صنعتی و چه در حوزه ادبی هنری موجب افزایش انگیزه هنرمندان و مخترعین و صنعتگران در خلق و تولید آثار فکری میشود. چرا که نسبت به امکان به رهبرداری مادی و معنوی از ماحصل تلاشهای خود اطمینان خاطر خواهند داشت و میدانند نادیده گرفته شدن حقوق ایشان از سوی دیگران بدون ضمانت اجرا نبوده و خواهند توانست حقوق خود را اعمال نمایند. این امر شرط مهمی برای تشویق گسترش دانش و صنعت خواهد بود و موجبات توسعه روزافزون کشور را فراهم می‌آورد. مسئله مهم دیگر بحث شرعی بودن حمایت از این حقوق است که مطالعه انجام شده نشان می‌دهد مبانی فقهی محکمی در زمینه توجیه قابل حمایت بودن این اموال وجود دارد و همین امر باعث شده است که در کشور ما نیز علی‌الخصوص پس از انقلاب اسلامی تلاشهای زیادی در جهت تصویب و رفع نقص قوانین انجام گیرد. (جهرمی و محمدی، ۱۳۹۴). دانش و نوآوری تحولات سریع در فناوری تولید را فراهم می‌آورد و از طریق بهبود فرایند تولید و یا ایجاد محصولات جدید زمینه ساز افزایش بهره‌وری و استفاده کارآمد از نهادهای تولیدی خواهد بود و از این مجرا بر کیفیت رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد (وو و همکاران، ۲۰۱۶)

مفهوم شناسی

مالکیت

در حقوق مالکیت فکری برای تعیین مالک یک اثر فکری (اعم از ادبی-هنری و صنعتی)، دو نظام شاخص در سطح جهانی وجود دارد و کشورهای مختلف عموماً متأثر از این دو دیدگاه هستند: نخست، نظام رومی-ژرمنی که عنصر اصلی دارایی فکری را خلاقیت فرد می‌داند و حقوق مالکیت فکری را برای حمایت از افراد خلاق و خلاقیت افراد ضروری می‌داند. این نظام را می‌توان دارای رویکرد شخصیت‌گرا دانست که اغلب کشورهای اروپای قاره‌های چین دیدگاهی دارند. ایران نیز به این دیدگاه تمایل دارد. دوم، نظام کامنلا که بر جنبهها و اهداف اقتصادی تمرکز دارد و در واقع منفعت‌گرا است و سرمایه‌گذاری را همسنگ خلاقیت، در پدید آمدن یک اثر یا پدیده فکری مهم میداند، بنابراین در شناسایی اشخاص حقوقی به‌عنوان مالک یک اثر ابابی ندارد. کشورهای آمریکا، انگلیس و استرالیا از جمله کشورهای معتقد به این نظام هستند. کشورهای دسته اول ارزش بسیاری برای حقوق معنوی فائند و در شناسایی اشخاص حقوقی به‌عنوان پدیدآورنده به لحاظ فقدان خلاقیت با تردید مواجهاند، اما کشورهای کامنلا این امر را فاقد اهمیت دانسته و به اثرات اقتصادی یک نظام حقوقی بیشتر توجه دارند. (مک دونالد، ۲۰۰۴)

مقررات خاصی که برای دارایی‌فکری ناشی از تامین مالی بخش عمومی ایجاد شده‌اند نیز متأثر از این دو دیدگاه هستند. اصولاً در شناسایی مالکان این نوع داراییها، سهدسته یا گروه مطرح هستند که میتوانند به‌عنوان مالک شناسایی شوند:

۱. دولت

۲. موسسه دریافت کننده بودجه و منابع مالی

۳. پژوهشگران.

نظام حقوقی آمریکا تا پیش از تصویب قانون بای دال، دارایی‌فکری ناشی از تحقیقات تامین مالی شده عمومی را متعلق به دولت میدانست. بعد از تصویب آن قانون در سال ۱۹۸۰ مالکیت دارایی فکری به موسسه دریافت‌کننده بودجه تعلق گرفت. دلایل عمده برای تعلق حقوق به دولت و بعد به موسسه عبارتند از:

* عدم تعلق سرمایه به پژوهشگران. سرمایه که عنصری اساسی برای تحقیقات است، متعلق به دولت بوده که استفاده از آن و نحوه مدیریتش را به موسسه واگذار میکند. در نتیجه این دو یا یکی از آنها باید مالک دارایی فکری باشند

*** از آنجایی که هدف اصلی هر مقرراتی در نظامهای منفعتگرا، استفاده اقتصادی بیشتر برای افراد و جامعه است و اشخاص حقوقی توانایی بیشتری برای بهره‌برداری اقتصادی دارند، بهتر است مالکیت به آنها و نه محققین که اشخاص حقیقی‌اند، تعلق یابد. همین دلیل نیز باعث تغییر مالکیت از دولت به موسسات دریافتکننده بودجه گردید؛ چراکه دولت برخلاف موسسات تحرک و سرعت کافی را برای بهره‌برداری مناسب از دارایی‌داران ندارد. سود اقتصادی و تجاری سازی بیشتر داراییهای فکری بعد از تصویب قانون بای دال در آمریکا نیز این نظر را تایید نمود. در واقع دو قانون مهم در دهه هشتاد برای حل مسائل مالکیت فکری تصویب شد: نخست، «قانون نوآوری فناوری استونسون-ویدلر» که در ارتباط با تحقیقات داخلی آزمایشگاههای دولتی فدرال است و دیگری «قانون آیین ثبت اختراع دانشگاهها و شرکتهای کوچک» یا همان قانون بای دال که در واقع اصلاحیه «قانون ثبت اختراعات و علائم تجاری» است. (بهاون و سمپات، ۲۰۰۶)

عملکرد کارکنان

یکی از اصول ایجاد رفتار سازمانی مطلوب در سازمانها، رعایت و اهمیت به اصول مالکیت فکری است، که در میان افراد یک سازمان کمتر مورد توجه قرار میگیرد. توجه به مالکیت فکری افراد در یک سازمان از مصادیق بارز صفات و اصول اخلاقی میباشد. فرد دارای خواسته‌ها و تمایلاتی است که برای دستیابی به آن تلاش میکند. این خواسته‌ها را میتوان در یک طیف پیوستار از انسان اقتصادی و مادی تا انسان اجتماعی و کمالجو ترسیم کرد. دنبال کردن این نیازها و رویارویی با آن به وراثت، محیط و شاکله شخصیت فرد بستگی دارد. از طرف دیگر، انسان موجودی اجتماعی است و برای رفع نیازهای اجتماعی با شکلدهی و ایجاد سازمان جدید و عضویت در آن و یا با پیوستن به سازمان موجود و مشارکت خود، رضایتمندی و خشنودی را به دست میآورد. بنابراین، سازمانها زمانی میتوانند در جهت اهداف اجتماعی گامهای موثری بردارند که از اهداف فردی و سازمانی متعالی برخوردار باشند. مدیریت مدبرانه یادگیری و نوآوری و دستیابی به فرایندهای کلیدی تاثیرگذار بر آن (از جمله رعایت حقوق مالکیت فکری) نیازمند توسعه موزون ساختارهای مدیریتی مناسب همراه با تقویت کلیه زیرساختهای سازمانی و بسترهای لازم است تا در نهایت به تعالی رفتار سازمانی بیانجامد.

دارایی‌های دانش‌بنیان، به شکل فزاینده‌ای به‌عنوان منابع مزیت رقابتی در فضای کسب‌وکاری مطرح شده‌اند. این روند تغییر، از طریق یافتن روش‌هایی جدید و کارآمد برای دریافت منابع مالی از طریق سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ناملموس، امتیازاتی را برای شرکت‌های نوآور ایجاد نموده است. تا پیش از این، کارخانجات، تجهیزات فناورانه و منابع مالی، به‌عنوان منابع کلیدی رقابت‌پذیری مطرح بودند. اما با تغییرات صورت گرفته، امروزه به سادگی می‌توان یک کسب‌وکار بسیار موفق و متمایز را، تنها بر اساس دسترسی به اینترنت بنا نهاد. در گذشته، کارکنان با انجام وظایفی تکراری که نیازمند درک پیچیده‌ای از محصول مورد نظر نبود، می‌توانستند ارزش‌آفرینی قابل توجهی را برای کارفرمایان به دنبال داشته باشند. همین عامل، باعث می‌شد تا جابه‌جایی و گردش نیروی کار آن‌چنان رایج نبوده و غالب افراد، بخش زیادی از زندگی خود را در شغلی مشابه سپری نمایند. (اعلایی و اموی، ۱۳۹۴) در مقابل، امروزه نه تنها کارکنان باید بر دانش گسترده‌ای از فرآیند تولید تسلط داشته باشند، بلکه جابه‌جایی آن‌ها بین شرکت‌های رقیب و حتی در مشاغل کاملاً متفاوت نیز بسیار رایج شده است. (زند، ۱۳۹۸) مالکیت فکری در یک سازمان بسیار نقش حیاتی دارد، چرا که دانش و خروجی علم کارکنان، هویت سازمان را در رابطه با عملکرد کارکنان تعریف می‌کند. حقوق مالکیت فکری شامل دو دسته حقوق معنوی و حقوق مادی است. مالکیت معنوی صرفاً جنبه اعتباری و معنوی دارد و به مالک آن امکاناتی برای حفاظت از مالکیت خود می‌دهد. مثلاً نویسنده‌ی یک کتاب، به جز این که نامش به عنوان پدیدآورنده اثر برده می‌شود، می‌تواند اجازه انتشار آن را بدهد (یا مانع از نشر شود) و همچنین جلوی تحریف آن را بگیرد. دسته دیگر مالکیت فکری حقوق مادی است که شامل اعطای بهره‌برداری مالی و منافع تجاری حاصل از مالکیت فکری و در نتیجه اعطای درآمدهای حاصل به مالک مادی، که شخص حقیقی یا حقوقی است، می‌شود. حقوق معنوی به هیچ عنوان قابل واگذاری نیست، اما حقوق مادی قابل خرید و فروش است. به عنوان مثال، کارمند بخش تحقیق و توسعه یک شرکت تجاری که در حین انجام وظیفه خود به اختراعی دست پیدا می‌کند، مالک معنوی آن اختراع است. اگرچه مالک مادی آن اختراع شرکت تجاری محل دستیابی به اختراع خواهد بود.

برخی از حقوق دانان قائل به وحدت موضوع در انواع مختلف حقوق فکری نیستند؛ ولی حقوق دانانی که به یگانگی موضوع این نوع حقوق قائل اند، درباره این موضوع دیدگاه‌های مختلفی ابراز کرده‌اند، از جمله: خلاقیت موجود در اثر فکری، افکار و اندیشه‌های موجود در آن، کار انجام شده، اشیای مجرد و انتزاعی، و اطلاعات موجود در اثر. (شبییری، ۱۳۸۷) سرمایه فکری به ارزش فکر بشر، خلاقیت و ابتکار وابسته است. آندها و ابتکارات در سرمایه فکری یک امتیاز و سرمایه اقتصادی مانند دیگر مالکیت‌ها و سرمایه‌ها محسوب می‌شود. با این تفاوت که دارایی‌های مشهود یک سازمان مانند زمین، ابزارآلات و تجهیزات مورد استفاده و به عبارتی سرمایه مالی یک سازمان، مشهود است مالکیت آنها به سادگی احراز می‌شود. اما در خصوص دارایی‌های فکری، مالکیت بر این دارایی‌ها قدری ناملموس و نسبت به مالکیت فیزیکی و سرمایه مالی مفهومی جدیدتر است. (الوانی و قاسمی، ۱۳۷۶) هر سازمانی تلاش می‌کند از فرصت‌های ارایه شده توسط مدیریت دانش نظیر روش‌های کسب همانند سازی و تسهیم اطلاعات در نوآوری استفاده کند و برای انجام این کار باید به نیروهای انسانی به عنوان سرمایه‌های فکری سازمان توجه شود زیرا ایده‌های نو نیازمند حمایت مدیران سازمان می‌باشد بنابراین توجه به مدیریت مالکیت فکری که بتواند به حمایت از نوآوریها پردازد حائز اهمیت است و از آنجایی که مدیریت دانش به تعامل میان فناوری و انسان می‌پردازد این مهم تنها در سایه مدیریت دانش میسر خواهد. (مظاهری و اورک، ۱۳۹۳) در واقع تأمین حقوق نظام مالکیت معنوی ابزاری مناسب برای حفظ حقوق شرکتها از نوآوری‌هایی است که ایجاد کرده‌اند (سوییت و اترویک، ۲۰۱۵)

وضعیت عملکردی

در صورت عدم حمایت کافی از نوآوری در حوزه‌های مختلف و فقدان بستر و امنیت حقوقی لازم برای تضمین حقوق نوآوران در سطح ملی، بسیاری از اختراعات و نوآوری‌ها در صنعت کتمان شده و در اختیار جوامع قرار نمی‌گیرد و یا فقط در کشورهایی که از آن حمایت میشود، عرضه میشود (پژوهش جهومی و همکاران، ۱۳۹۵) این وضعیت در بلند مدت پیامدهای منفی و کاهش سطح کیفی زندگی افراد جامعه و جلوگیری از جذب سرمایه‌گذاری خارجی در داخل کشورها را در پی خواهد داشت (حسینی شکیب و مرادیان، ۱۳۹۷) هنر مدیریت در هر سازمانی در ایجاد شرایطی است که برای با انگیزه کردن افراد بیشترین کارایی را داشته باشد. همان طور که پیش تر ذکر شد، حمایت قوی و مؤثر از حقوق مالکیت فکری سنگ بنایی است برای ایجاد سرمایه‌گذاری سالم که منجر به پدید آمدن انگیزه برای نوآوری و ایجاد محیطی که در آن به نوآوری پاداش داده می‌شود و همچنین باعث ایجاد انگیزه برای بازارهای داخلی از طریق پذیرش و بهبود محصولات و فناوری‌های موجود میشود (وو و همکاران، ۲۰۱۶) حق تکثیر نوعی حفاظت قانونی از آثار، طرحها و ایده‌های علمی، علمی یا هنری است. این آثار در حالی که دارای ماهیتی قابل درک باشند شامل این حمایت خواهند بود. (هلرو ربکا، ۲۰۱۰)

نتیجه گیری

حفظ دارایی‌های حاصل از خلاقیت فکری یکی از مباحث حقوقی مهم بشمار می‌رود. قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و آیین‌نامه اصلاحی آن مصوب ۱۳۳۸ به حق مخترع و مالکیت فکری در حوزه صنعت و تجارت می‌پردازند. حال با توجه به قانون مصوب در سالهای اخیر مهم‌ترین قوانینی که در سال‌های اخیر به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است «قانون ثبت اختراعات طرح‌های صنعتی و علائم تجاری» مصوب ۱۳۸۶ و «قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی» مصوب ۱۳۸۳ است. ماده ۲ معاهده تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری فهرست نسبتاً جامعی از موضوعاتی که تحت حمایت حقوق مالکیت فکری هستند نام برده است که عبارتند از: آثار ادبی و هنری، علمی، اجراهای هنرمندان آثار نمایشی، آوا نگاشت‌ها و سازمان‌های ضبط و پخش، اختراعات در تمامی زمینه‌های تلاش انسانی، کشفیات علمی، طرح‌های صنعتی، علائم تجاری، مبدأ جغرافیایی کالا، حمایت در برابر رقابت غیر عادلانه، و تمامی حقوق دیگری که ناشی از فعالیت فکری در زمینه‌های صنعتی، علمی، ادبی و هنری هستند. سازمانها باید با حفظ مالکیت فکری افراد خود کوشا باشند چرا که مهمترین سرمایه یک سازمان سرمایه فکری آن سازمان می‌باشد. حضور افراد خلاق و صاحی‌انده در یک سازمان یا شرکت می‌تواند عملکرد سازمان را به بالاترین سطح هدایت کند. رعایت حقوق مالکیت فکری در یک جامعه می‌تواند قانونمندی آن جامعه را روشن کند. حقوق افراد در زمینه مالکیت فکری

یک اصل کلیدی در رابطه با خروجی های فکری افراد است. عدم نگهداری از امانت فکری یک چالش عظیم سازمانی محسوب می شود. چرا که اسرار یا اطلاعات به راحتی در اختیار رقبا قرار می گیرد. بنابراین رعایت حقوق مالکیت امری ضروری و حیاتی در رابطه با رسالت سازمان می باشد.

منابع و مراجع

- [۱] اعلائی، محمد. امی، فتح اله. (۱۳۹۴). نقش مالکیت فکری در رفتار سازمانی و تاثیر آن بر اهداف سازمانی و فردی و اجتماعی.
- [۲] الوانی، سید مهدی. قاسمی، سید محمد رضا. (۱۳۷۶). مدیریت و مسئولیتهای سازمانی، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- [۳] جهرمی، زهرا بهادری. محمدی، حکیمه. (۱۳۹۴). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم «حقوق مالکیت فکری» پژوهشکده شورای نگهبان.
- [۴] حسن شبیری، «مبانی نظری و فقهی حقوق مالکیت فکری»، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۵۱، پایان نامه دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران ۱۳۸۷ ش.
- [۵] مهدی زاده، حسین . (۱۳۸۹). ثبت آثار ادبی و هنری و حمایتهای قانونی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چ اول، تهران.
- [۶] مظاهری، ساناز. اورک، ناهید. (۱۳۹۳). بررسی بین مدیریت دانش و مدیریت مالکیت فکری با نوآوری سازمانی، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت چالشها و راهکارها.
- [7] Bhaven N.Sampat.(2006). "The Bayh-Dole Model in Developing Countries: Reflection on the Indian Bill on Publicly Funded Intellectual Property", UNCTAD-ICTSD Project on IPRs and Sustainable Development, Policy Brief, number5, October, pp.5-6.
- [8] Heller,M.;Eisenberg,R.(2010).Can Patents Deter Innovation? The Anticommons in Biomedical Research, Science.
- [9] MacDonald.(2004). Laura and Gilled, Capart, "Managementof intellectual property in publicly-funded research organizations: toward European guidelines", European commission, p.14.
- [10] Sweet, C.M;Eterovic,M.;Dalibor, S.(2015). Do stronger intellectual property rightsincrease innovation?World Dev.66: 665–677
- [11] Wendy H.(2012). "Industrial Competitiveness and Technological Advancement: Debate Over Government Policy", Cornell University ILR School, 2012, p.10.
- [12] Woo, S.;Jang, P.;Kim, Y.(2015). Effects of intellectual property rights and patented knowledge in innovation and industry value added: A multinational empirical analysis of different industries. Technovation, 43&44: 49-63.